

به اقتضای علاقه ماندگار به تاریخ، یا به عبارت دقیق تر، دلمشغولی با عناصر واقع گرایی، صداقت و دقت در روایت تاریخی -- که اساسا در کوتاه مدت مطرح است و در بلند مدت واقعیت انکار ناپذیر رویدادها و تحولات گذشته مهر نازدودنی خود را بر صفحه تاریخ و ذهن جمعی مردمان حک می کنند - هر از چند گاهی نوشتن و پراکندن پیامی هر چند اجمالی را در این حوزه ناگزیر می یابم.

پرداختن به حکایت همچنان "شیرین" و پایان ناپذیر قضیه ایران-کنترا (یا همان قضیه مک فارلین کذائی) هم از همین مقوله است. اهمیت این داستان تا بدانجا است که در خلال یکسال و اندی گذشته که موضوع مذاکره مستقیم با آمریکا (هرچند صرفا در چارچوب موضوع هسته ای) و امکان {صرفا امکان نظری} حل و فصل مشکلات عدیده بین دوکشور و برقراری روابط مطرح و حداقل در سطح رسانه ها بحث شده، درسیاری از نوشته ها در داخل و خارج کشور موضوع "ایران-کنترا/مک فارلین" جزو عناصر بحث سابقه ارتباطات و بده و بستانها بوده و از هر دو سو تحلیل یا گمانه زنی شده که اگر آن ماجرا لو نمی رفت همکاری نظامی بین دوکشوردر آن مقطع میتوانست به حل و فصل اختلافات فیما بین منجر شود -- که اگر چنین شده بود، فرجام جنگ تحمیلی دیگر میشد و به تبع آن بسیاری قضایای دیگر پیش نمی آمد و نیز دیوار اختلاف و سوء ظن متقابل چنین بلند و غیر قابل گذر نمی شد. اینکه می شد و یا نمی شد - یا چه می شد -- در تحلیل نهائی به حوزه حدس و گمان با نگاه به گذشته (retrospective conjecture) مربوط می شود و ربطی به واقعیت تاریخی و کم و کیف ماجرا آنگونه که بوده است ندارد. تاریخ یکبار اتفاق می افتد و جامعه و حکومت (در این یا آن جامعه، هر جامعه ای) ناگزیر است با آثار و نتایج آنچه که در واقعیت رخ داده و می دهد دست و پنجه نرم کند، طوعا یا کرها. فرجام دیگرگونه نوشتن ارادی و دستوری تاریخ را هم در مورد رفتار مختار حکومت استالین شنیده و یا خوانده ایم و نیز در قضیه برخورد اعلیحضرت و دستگاه سلطنت پهلوی به کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ -- تا زمان انقلاب بهمن ۵۷ -- را خوب به یاد می آوریم.

چند ماه پیش کتاب "مثلث ایرانی: نقش اسرائیل در ماجرای ایران-کنترا" نوشته "شموئیل سگو" \* را معرفی کردم، که روایت اسرائیلی از داستان را ارائه می دهد و اسامی حذف شده در "گزارش تاور" (Tower Report) را نیز آورده است. همانجا آورده بودم که این کتاب عموما در ایران ناشناخته است و به فارسی برگردانده نشده است.

دو روز پیش به لطف یکی از دوستان کتاب دیگری تحت عنوان "ارتباط ایران کنترا: تیم های سرّی و عملیات مخفی در دوره ریگان" \*\*\* بدستم رسید. در روی جلد کتاب و بر فراز عنوان آن آمده است: "آنچه که گزارش تاور گزارش نداد". کتاب در واقع نقد سیاست های مخفیانه دولت ایالات متحده، برخلاف قوانین اساسی کشور و رویه های جاافتاده "کنترل و توازن" (balance check and)، طی چندین دهه در زمینه های مختلف و در ارتباط با کشورهای مختلف است. فصول ۶-۸ کتاب به ماجرای ایران کنترا و نقش اسرائیل پرداخته است. پیشگفتار کتاب را "ریچارد فالک" (Richard Falk) -- استاد برجسته حقوق بین الملل و فعال سیاسی شناخته شده آمریکائی -- نوشته است که در بین ایرانیان نسل انقلاب ناآشنا نیست.

متن PDF را به پیوست می فرستم. باشد که مطالعه آن هم به شناخت بهتر رفتار های واقعی ساختار قدرت بالفعل در واشنگتن کمک کند، هم به درک بهتری از جزئیات ماجرای ایران-کنترا و چرایی ها. بهر روی، جدا از اینکه مذاکرات هسته ای جاری که امید جدّی دارم - و داریم - با موفقیت به نتیجه قابل قبول متقابل برسد، چه تاثیری بر روابط ایران و آمریکا و کاهش تنش و اختلافات موجود خواهد نهاد، تردیدی نیست که همه ما نیاز داریم تا تصویر درست و واقعی از یک ماجرا و مقطع و مرحله مهم و تاثیرگذار در تاریخ روابط خارجی معاصرمان داشته باشیم. این گفته فخرالدین عظیمی، استاد ایرانی تاریخ دانشگاه "کنتیکت" (Connecticut) را دقیق و درست میدانم: "اندیشیدن بر پایه دانسته های نادرست یا مخدوش درباره گذشته راهیابی برای آینده را دشوار می کند. اندیشیدن مدرن چیزی جز تاریخی اندیشی نیست و تاریخی اندیشی در گرو آگاهی درست است از آنچه رخ داده است."

باقر اسدی

Samuel Segev, The Iranian Triangle: The Untold Story of Israel's Role in Iran-Contra Affair - New York, November 1988

\*\*\*

The Iran Contra Connection: Secret Teams and Covert Operations in the Reagan Era, 1987  
Jonathan Marshall, Peter Dale Scott and Jane Hunter